

نقش معلم در انگیزش تحصیلی دانش آموزان و راهبردهای افزایش آن

فاطمه خانی چلکاسری^۱، شقایق احمدی^۲، سپیده صالحی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی مشاوره و راهنمایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت الهدی صدر رشت (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی مشاوره و راهنمایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت الهدی صدر رشت

^۳ دانشجوی کارشناسی مشاوره و راهنمایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت الهدی صدر رشت

چکیده

در هر جامعه ای، معلم به عنوان مهم ترین مولفه تعلیم و تربیت، نقشی همه جانبه در پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان ایفا می کند. یکی از مهم ترین مولفه های پیشرفت تحصیلی، انگیزه تحصیلی دانش آموزان است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش معلم در انگیزه تحصیلی دانش آموزان و ارائه راهبردهای موثر در جهت افزایش انگیزش تحصیلی در یادگیرندگان صورت گرفته است. روش تحقیق در مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای (اسنادی) است. بر اساس بررسی های صورت گرفته، انگیزه به عنوان مهم ترین پیش شرط یادگیری، نقش مهمی را در روند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ایفا می کند و معلم به عنوان تاثیرگذارترین شخص در فرآیند ایجاد انگیزه تحصیلی، می بایست با بهره گیری از راهبردهای کاربردی و موثر، در جهت افزایش انگیزه ی یادگیرندگان و ایجاد پویایی هر چه بیشتر در کلاس درس، گام بردارد. در این راستا استفاده از سبک مدیریت تعامل گرا، بیان معنی دار مطالب درسی، تعیین اهداف آموزشی و استفاده از مشوق های درونی و بیرونی از جمله مهم ترین راهبردهایی هستند که معلم را در بهبود موقعیت های یادگیری و افزایش انگیزه یادگیرندگان در کلاس درس یاری می دهند.

واژه های کلیدی: انگیزش تحصیلی، نقش معلم، انگیزه ی دانش آموزان، انگیزه درونی، انگیزه بیرونی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

در هر جامعه ای آموزش و پرورش بستر رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی را فراهم می کند. این تعلیم و تربیت است که باعث اعتلای فرد و جامعه یا زوال و زبونی فردی و اجتماعی می شود. هدف تعلیم و تربیت در جوامع کنونی فقط انتقال دانش از نسل قدیم به نسل جدید و صرفاً تقویت قوای ذهنی فراگیران نیست، بلکه توسعه و پرورش همه جانبه مد نظر است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). انگیزش در تعلیم و تربیت و نقش آن در پیشرفت تحصیلی از دیرباز مورد توجه روانشناسان بوده است. امروزه ایجاد انگیزه به عنوان عامل ایجاد حرکت در دانش آموزان و جهت دهنده به فعالیت های آنها بیش از پیش مورد توجه مسئولان قرار گرفته است. روانشناسان ضرورت توجه به انگیزش در تعلیم و تربیت را به علت ارتباط موثر آن با یادگیری، کسب مهارت ها، راهبردها و رفتارها متذکر شده اند و یکی از سازه های اولیه ای که برای تبیین آن ارائه کرده اند، انگیزش پیشرفت تحصیلی است (یوسفی، فرخی و صرامی، ۱۳۹۲).

دانش آموزانی که انگیزه تحصیلی بالایی دارند، فعالیت های بیشتری را می پذیرند، تکالیف بیشتری را انجام می دهند و موفقیت بیشتری را کسب می کنند. هنگامی که یادگیرندگان، انگیزه لازم را داشته باشند، فرایند ارتباط، تسهیل شده؛ مطالب روان تر گشته، اضطراب کاهش یافته و خلاقیت و یادگیری نمود می یابد (کیت و کول، ۱۹۹۲؛ به نقل از سیف، ۱۳۸۶). در مقابل، نداشتن انگیزه تحصیلی در بعضی از دانش آموزان، باعث افت تحصیلی و اتلاف در منابع آموزش و پرورش می شود. این موضوع یکی از مهم ترین مشکلات نظام های آموزشی در اغلب کشورهاست. منابعی که در این راه تلف می شود خواه به صورت عمر انسان ها باشد، خواه به صورت منابع مادی و مالی، هر سال رقم قابل توجهی را تشکیل می دهد. به طوری که بهبود و کارایی نظام های آموزشی تا اندازه بسیار زیادی به بالا بودن روحیه آموزشی در دانش آموزان و جلوگیری از اتلاف سرمایه مادی و نیروی انسانی وابسته است (بخت آوری، ۱۳۹۳).

در این راستا، معلمان در تعلیم و تربیت و انگیزش، نقش اصلی را به عهده دارند. معلمان، افراد مهم جامعه هستند که نقش بسیار حیاتی و تعیین کننده ای در توسعه زندگی دانش آموزان بازی می کنند. زندگی دانش آموز بسیار تحت تأثیر معلمان است، زیرا معلمان تقریباً در تمام جنبه های زندگی دانش آموزان حضور دارند. در همین حین معلمان باید بدانند که انگیزش انسانی یک موضوع بسیار پیچیده است. صدها روان شناس زندگی خود را صرف کرده اند تا علت نحوه رفتار انسان را کشف کنند و کوشش های آنان به موفقیت های زیادی منجر شده است. امروزه ما نسبت به چند دهه ی قبل اطلاعات زیادی درباره ی این موضوع داریم اما این موفقیت ها بدین معنا نیست که درک و فهم ماکامل شده است و اکنون می توانیم با این دانش جدید، تمام اشکال رفتارها و نگرش های ضد باروری در مدارس و کلاس ها را متوقف کنیم. اگر موضوع انگیزش انسان اینقدر ساده بود، معلمان به حل بسیاری از مشکلاتی که با اندک انگیزش دانش آموزان قابل رفع بود فایق می آمدند؛ بنابراین معلمانی که برای افزایش انگیزش تحصیلی دانش آموزان فعالیت می کنند، باید بینش و اهدافی متعادل داشته باشند. معلمان باید علاوه برداشتن اهدافی متعادل برای افزایش انگیزش تحصیلی دانش آموزان، آگاه باشند که مجموعه ی یکسانی از شیوه های علمی که در تمام موفقیت موثر باشند وجود ندارد (یوسف زاده و همکاران، ۱۳۹۴).

معلم بایستی توانایی جلب توجه شاگردان به مطالب درسی و فراهم نمودن جوی فعال را در کلاس داشته باشد. یکی از مهارت های مهم ارتباطی معلم این است که به دانش آموز بفهماند که حضور او در کلاس، فعالیت ها و موفقیت او در کلاس مهم است و از این طریق در دانش آموزان ایجاد انگیزه کند. معلمی که باعث افزایش علاقه دانش آموزان در کلاس می شود موثرترین معلم است (چستن، ۱۹۸۸). از این رو با عنایت به نقش کلیدی معلم در ایجاد انگیزش در یادگیرندگان، در این تحقیق، با مرور مطالعات پیشین، بر آن شدیم تا ابعاد این تاثیر را با دقت بیشتری بررسی کرده و همچنین راهبردهایی را جهت ایجاد انگیزش در کلاس درس و پویایی هر چه بیشتر آن ارائه نماییم.

۲. پیشینه پژوهش

توکلی و همکاران، (۱۴۰۰)؛ پژوهشی را با عنوان طراحی و تبیین نقش معلم در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموز انجام دادند. یافته های این تحقیق نشان داد معلم نقش اساسی در ایجاد انگیزه ی پیشرفت تحصیلی و یا افت تحصیلی دانش آموزان دارد. در این پژوهش معلم ابتدا به شناسایی علل بی انگیزگی فراگیر می پردازد و شخصیت، توانایی ها و نقاط ضعف و قوت دانش آموز را مورد مطالعه قرار می دهد. سپس با مداخله درست، توانایی ها و اعتماد به نفس فراگیر را تقویت کرده و رفته رفته انگیزه زندگی و پیشرفت تحصیلی را در فراگیران ایجاد می کند.

یوسف زاده و همکاران، (۱۳۹۴)؛ پژوهشی را با عنوان نقش معلمان در ایجاد انگیزش در دانش آموزان انجام دادند. در این پژوهش تاکید شد که معلم با آگاهی از میزان توانایی، نیازها و خصوصیات رشد دانش آموزان در هر یک از دوره های تحصیلی، می تواند فنون مناسبی را به کار برده و فرایند یاددهی- یادگیری را با تجربیات و نیازهای دانش آموزان هماهنگ سازد و بدین ترتیب انگیزه لازم را در آنها ایجاد کند.

عریضی سامانی و همکاران، (۱۳۸۶)؛ در پژوهش خود با عنوان رابطه رفتارهای معلم با سرزندگی و انگیزش درونی دانش آموزان دبیرستان های شهر اصفهان، نشان دادند که از میان رفتارهای مرتبط با سرزندگی معلم، اشتیاق معلم، حمایت استقلالی و دانش زیربنایی، و از میان رفتارهای مرتبط با انگیزش درونی معلم، اشتیاق معلم و تنوع روش، بیش از دیگر رفتارهای معلم تبیین کننده سرزندگی و انگیزش درونی دانش آموزان هستند.

علیرضایی و سالاری، (۱۳۹۴)؛ در پژوهشی با عنوان بررسی نقش معلم در انگیزش تحصیلی دانش آموزان برای یادگیری، به بررسی رفتار صحیح معلم برای عملکرد بهتر دانش آموزان در طول تحصیل پرداختند. یافته های پژوهش نشان داد یکی از مشکلاتی که در زمینه ی انگیزش دانش آموزان وجود دارد استفاده افراطی از روش پاداش و تنبیه است که باتوجه به حالت درونی بودن انگیزه، معلم می تواند با اتخاذ روش های ساده این میل درونی را برانگیزد و درهمین راستا موجب جذب دانش آموزان به کلاس و درس شود.

حسینی، محسنی و بهروزی، (۱۳۹۳)؛ در پژوهش خود با عنوان تاثیر سبک فکری معلمان بر روی انگیزه درونی یادگیرندگان زبان انگلیسی، به بررسی تاثیر انواع سبک های فکری معلم بر انگیزش درونی یادگیرندگان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد سبک فکری معلمان بر روی انگیزه درونی یادگیرندگان تاثیر به سزایی دارد. همچنین آن دسته از معلمانی که سبک فکری شان قضاوت گر، قانون گذار و اجرایی بود تاثیر مثبتی بر انگیزه درونی یادگیرندگان داشتند.

۳. روش

پژوهش حاضر، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام تحقیقاتی است که با موضوع انگیزش تحصیلی دانش آموزان و نقش معلم در افزایش انگیزه ی تحصیلی فراگیران، مرتبط است. در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، روش اسنادی (کتابخانه ای) مورد استفاده قرار گرفت.

۴. یافته ها**۴-۱) انگیزش و انگیزش تحصیلی**

انگیزه از نظر بنیادی، هر آن چیزی است که موجود زنده را به حرکت وا می دارد و موجب جنبش آن می شود. روان شناسان، کلیه ی عواملی را که موجود زنده و از جمله انسان را به فعالیتی وا می دارد و او را در یک جهت خاصی سوق می دهد، انگیزه می نامند. انگیزه، اولین عنصر تشکیل دهنده ی رفتار است. گیج و برلایندر (۱۹۸۴) اصطلاح انگیزش را به عنوان عامل نیرو

دهنده، هدایت کننده و نگهدارنده رفتار تعریف کرده اند (دکتر مولوی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵۴). هم چنین (گیج و برلایر) انگیزه را به موتور یا فرمان اتومبیل تشبیه می کنند که شخص را برای رسیدن به هدف خاصی وادار به فعالیت می کند. لفرانسوا (۱۹۹۷) انگیزه را علت و دلیل رفتار می داند. دلیل این که چرا ما بعضی رفتارها را انجام می دهیم ولی بعضی دیگر را انجام نمی دهیم، انگیزه های ما هستند.

داشتن انگیزه برای انجام هر کاری توسط انسان لازم است. هیچ یک از فعالیت ارادی انسان ها بدون داشتن انگیزه رخ نمی دهد. از جمله این فعالیت ها، یادگیری است که شاهراه اصلی آن داشتن انگیزه می باشد (روحی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۷۸).

برای انگیزش (انگیزه) یادگیری این تعریف به دست داده است: فرآیندهای روانشناختی که رفتار دانش آموزان را در جهت یادگیری، هدایت و حفظ می کند (سیف، ۱۳۹۲، ص ۳۲۸). درباره ی تأثیر انگیزه بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی، پژوهش های زیادی انجام گرفته است. کیست و کول در مطالعات خود نشان دادند یادگیرندگانی که انگیزه ی سطح بالایی دارند، فعالیت های بیشتری را می پذیرند. تکالیف درسی بیشتری را انجام می دهند و در نتیجه موفقیت بیشتری کسب می کنند (دکتر مولوی، ۱۳۸۶، ص ۵۴).

انگیزه ی تحصیلی عبارت است از گرایشی همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد توأم است. (کفایت، ۱۳۷۳)، در واقع افرادی که از انگیزه ی تحصیلی بالایی برخوردارند، خواهان آنند که تلاش خود را برای دستیابی به اهداف بالا و عالی به کار گیرند. از نظر آنان انگیزه ی تحصیلی عبارت است از نیروی انجام دادن خوب کارها نسبت به استانداردهای عالی.

راش (۱۹۹۴) انگیزه را عالی ترین شاهراه یادگیری دانسته است. به این معنی هر چه انگیزه ی فرد برای آموختن و تحصیل بیشتر باشد، فعالیت و رنج و زحمت بیشتری را برای رسیدن به هدف نهایی متحمل خواهد شد (دکتر مولوی، ۱۳۸۶، ص ۵۴). بسیاری از روانشناسان در پژوهش های خود دریافته اند که نقش انگیزش در مسائل یادگیری و پیشرفت تحصیلی خیلی مؤثرتر از درجه ی هوش و نمره های درسی بوده که تأثیر این دو عامل به طور شگفت آوری کم تر از انتظار بوده است، از سوی دیگر مشاهده شده بسیاری از شاگردان با استعداد متوسط و انگیزش بالا دارای پیشرفت قابل ملاحظه ای بوده اند (راگن و کاو چاک، ۲۰۱۰، ص ۲۸۱).

نظریه پردازان و محققان انگیزش انسانی به دو نوع کلی از انگیزش، یعنی درونی و بیرونی اشاره کرده اند: (دسی، ۱۹۷۵؛ دسی و ریان، ۱۹۸۵؛ لپروگرین، ۱۹۷۸؛ مالون لپر ۱۹۸۹) انگیزش بیرونی زمانی وجود دارد که افراد به وسیله پیامدی که خارجی است و یا از لحاظ کارکردی مربوط به فعالیتی است که در آن افراد درگیر می شوند برانگیخته می شوند. دانش آموزان که در فعالیتهای مطلوب خود به صورتی فعال درگیر می شوند برانگیخته شده اند ولی دلیل این سختکوشی آنان با ماهیت خود تکلیف ارتباطی ندارد آنان به این خاطر سختکوش هستند که تکلیف را وسیله ای برای رسیدن به اهداف مطلوب دیگری در نظر می گیرند. در مقابل انگیزش بیرونی، انگیزش درونی وجود دارد بدین معنی که شخص برای انجام موفقیت آمیز تکالیف خود، تمایل درونی دارد؛ خواه برای آن ارزش بیرونی وجود داشته باشد و یا نداشته باشد. اگر چه هر دو جهت گیری یعنی انگیزش درونی و بیرونی در اکثر کلاسها وجود دارد، ولی شیوه های عملی مدارس و سیستم کلاس های ما طوری طرح ریزی می شود که جهت گیری انگیزش بیرونی را به صورت افراطی تسریع می کند. نمونه های بسیاری که به انگیزش بیرونی توجه دارند به این ترتیب است: نمره های خوب، برچسبهای رنگارنگ، ستایش از عملکرد مناسب و همچنین تنبیه کردن نیز به عنوان روشی برای افزایش انگیزش (بیرونی) همواره در نظر گرفته می شود. مانند محروم کردن دانش آموزان از بازی، نگه داشتن دانش آموز در مدرسه، اخراج و ... البته نشانه های انگیزش درونی نیز گاه به گاه در مدارس یافت می شود. برای مثال بعضی از دانش آموزان به مطالعه کردن علاقه مند می شوند چرا که آن را زمینه ای برای تحقیقات خود در موضوع خاص می یابند و یا از حل مسائل ریاضی لذت می برند چرا که پاسخ پرسش های ذهنی و بیشمار خود را در آنها می یابند. (ال اسپالدینگ، چریل، ترجمه نائینیان، بیابانگرد، ۱۳۷۷)

۴-۲ عوامل موثر بر انگیزه تحصیلی دانش آموزان

عوامل فردی:

پژوهش‌ها نشان می‌دهد عوامل فردی مربوط به خود دانش آموز می‌تواند در میزان انگیزش تحصیلی و در نتیجه در عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر داشته باشد. عوامل مختلف شخصیتی می‌تواند بر انگیزش پیشرفت تحصیلی اثر داشته باشد. سرسختی روانشناختی، خوداثربخشی، ارزش‌های درون‌زاد، تبیین‌کننده انگیزش تحصیلی دانش آموزان هستند. (عابدی عریضی، سبحانی نژاد، ۱۳۸۴). همچنین باورهای امید و خوشبینی با انگیزش تحصیلی رابطه مثبت و معناداری دارند و باورهای امید پیش‌بینی کننده‌ی خوبی برای انگیزه تحصیلی می‌باشند (شیخی و همکاران ۱۳۹۵). کم‌رویی نیز می‌تواند بر روی انگیزش پیشرفت نقش منفی داشته باشد و آن را کاهش دهد (عبداللهی و همکاران ۱۳۹۵). خودپنداره تحصیلی نیز می‌تواند در انگیزش پیشرفت دانش آموزان نقش داشته باشد (صوفی و دیگران، ۱۳۹۴).

از دیگر عوامل فردی موثر بر انگیزه تحصیلی می‌توان به خودتنظیمی، خودکارآمدی و عزت نفس اشاره کرد. (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲).

عوامل اجتماعی:

الف) محیط اجتماعی: به نظر روان‌شناسان اجتماعی، چگونه اجتماعی شدن افراد نیز در انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی آنان مؤثر است چون شیوه‌ی اجتماعی شدن در طبقه‌ی متوسط با شیوه‌ی اجتماعی شدن در طبقه‌ی فقیر متفاوت است. چگونگی اجتماعی شدن طبقه‌ی پایین، زمینه‌ساز افت تحصیل و یادگیری فرزند آن‌ها خواهد شد. گاهی اوقات والدین فکر می‌کنند که چون آن‌ها نتوانسته‌اند مدرسه را با موفقیت به پایان برسانند، پس طبیعی است که فرزندان آن‌ها هم نتوانند مدرسه را با موفقیت به پایان برسانند. خوشبختانه این عقیده که چون پدر و مادر نتوانسته‌اند در امر تحصیل موفق شوند، پس فرزندان آن‌ها هم موفق نخواهند شد، هر روزه نزد خانواده‌ها کمرنگ‌تر شده و ارزش خود را از دست می‌دهد (زارع شاهی و دیگران، ۱۳۹۵).

ب) تعامل با همسالان: (بندورا، ۱۹۹۵) نشان داد که دوستان و همسالان در تقویت و تضعیف انگیزش و سایر عملکردهای تحصیلی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. همراهی و همرنگی دانش آموزان با همسالان خود با پیگیری اهداف تحصیلی آنها مرتبط است. نوجوانانی که با همسالان خود ارتباط مناسبی ندارند، احتمال بیشتری دارد که در زمینه‌ی تحصیلی و سازگاری در مدرسه دچار مشکل شوند، دوستان دانش آموز می‌توانند بر روی ترک تحصیل، راهیابی به دانشگاه، غیبت از مدرسه، گرفتن نمره‌ی پایین، نگرش منفی به تحصیل و انگیزش تأثیرگذار باشند. (اکستروم، ۱۹۸۶)

عوامل مربوط به مدرسه:

محیط مدرسه، نحوه برخورد معلمان با دانش آموزان، قوانین حاکم بر مدرسه و میزان انعطاف‌پذیری مدیران و معلمان مدارس، میزان علم و تجربه معلمان و تسلط آنها بر مطالب درسی و همچنین عوامل روانشناختی مدرسه می‌تواند در انگیزش دانش آموزان نقش داشته باشد (دهستانی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۵). مدیریت کلاس درس می‌تواند بر انگیزش تحصیلی رابطه مثبت داشته باشد. همچنین مدیریت زمان، نظم و انضباط در ایجاد و ارتقاء انگیزش تحصیلی اهمیت بسزایی دارد و با ارتقاء این مؤلفه‌ها، انگیزش تحصیلی نیز ارتقاء می‌یابد (اسماعیلی و قاسم نژاد، ۱۳۹۵).

الف) معلمان: معلمان می‌توانند برای مقاصد آموزش از دانش خود در خصوص نیازهای دانش آموزان استفاده مستقیمی ببرند. نیازهای پیشرفت تحصیلی و یادگیری و تحقق خویشتن دانش آموزان در بین نیازهای دیگر می‌تواند با فعالیت‌های مربوط به مدرسه آشکارا ارضاء شوند. چنین فعالیت‌هایی نباید چنان دشوار باشند که موفقیت را غیرممکن سازند و نه چنان باشند که موفقیت برای فرد بی‌معنی شود. معنی دار بودن این فعالیت‌ها، ارتباط آنها با زندگی دانش آموز و شهرتی که آنها از همسالان، والدین و آموزگاران به دست می‌آورند به همین شکل از اهمیت زیادی برخوردار است. تحقق خویشتن یعنی؛ فرآیند شدن

آنچه فرد در اثر تلاش های خود می تواند بشود، نه تنها از طریق آموزگار متعهد می تواند تسهیل شود، بلکه همچنین می تواند هدف حتمی فرآیند آموزشی شود (اسپالدینگ، ۱۹۹۶).

گروهی از پژوهشگران برای شغل معلمی دو پیش نیاز اصلی که عبارتند از: علاقه به تدریس و ایجاد علاقه در شاگردان را مورد توجه قرار داده اند:

علاقه به تدریس: پژوهشگران عشق و علاقه به تدریس را نخستین پیش نیاز شغل معلمی دانسته اند و این نباید به آن علت باشد که معلمی شغلی شریف و مورد احترام مردم است بلکه بدان سبب است که تا کسی به کار تدریس علاقه مند نباشد، هرگونه شرایط دیگری بی حاصل خواهد بود.

ایجاد علاقه در شاگردان: تنها علاقه خود معلم به موضوع درس کافی نیست، بلکه باید بتواند این علاقه را در شاگردان نیز به وجود آورد. تدریس خوب نیاز به مهارت دارد و آن هنگامی حاصل می شود که معلم نشان دهد هم به شغل خود و هم به کار تدریس علاقه مند است. معلمانی که به درس علاقه دارند اما نسبت به شاگردان خود بی تفاوتند کلاشان غالباً سرد و کسل کننده جلوه می کند. بدین معنا که توجه و کنجکاوی شاگردان را که لازمه ی تحصیل و یادگیری و پیشرفت تحصیلی است، برنمی انگیزد. معلم خوب همانند یک هنرپیشه نیرو و مهارت خود را در برانگیختن علاقه و توجه شاگردان به کار می گیرد.

از دیگر ویژگی های موثر معلمان بر انگیزش تحصیلی، می توان موارد زیر را برشمرد:

اخلاق حرفه ای معلمان: مطالعات انجام شده از وجود رابطه بین اصول اخلاق حرفه ای و انگیزش تحصیلی دانش آموزان حکایت می کنند. کریستوفر (۲۰۰۸) نشان داد که از نظر آماری بین اخلاق حرفه ای تربیت و موفقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد. سان و لی وود (۲۰۱۵) در مطالعه خود به ارزیابی تاثیر رهبران آموزشی بر یادگیری دانش آموزان از طریق تاثیر بر احساسات و تمایلات معلمان پرداخته اند. آنها بر چهار مولفه (اعتماد، تعهد، همکاری با دیگران و رفتار شهروندی سازمانی) که اثرات قابل توجهی بر یادگیری جمعی دانش آموزان متمرکز شده و دریافتند که بین اعتماد و موفقیت تحصیلی دانش آموزان ارتباط مثبت وجود دارد. دارا بودن تعهد بالا در بین معلمان، تاثیر قابل توجهی در پیشرفت و یادگیری دانش آموزان داشته و مولفه های همکاری و تعهد در موفقیت دانش آموزان موثرند. (خاکپور و درویشی، ۱۳۹۵)

همخوان بودن جنسیت دانش آموز با معلم: این مورد نیز می توان در میزان انگیزش تحصیلی دانش آموزان نقش داشته باشد، نتایج پژوهشی نشان داد که بین دانش آموزان پسر دارای معلم مرد و زن در پیشرفت تحصیلی و انگیزه پیشرفت و مولفه های آن تفاوت وجود دارد. به عبارتی دانش آموزان پسر دارای معلم مرد از پیشرفت تحصیلی و انگیزش پیشرفت بالاتری نسبت به دانش آموزان پسر دارای معلم زن برخوردار بودند. (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲)

استفاده از زبان مادری در حین تدریس: نظام آموزشی باید مبتنی بر رابطه ای دوسویه باشد که مهم ترین ابزارش همان زبان است. داشتن ارتباطی سالم و پویا بین معلم و دانش آموز که سرمنشا توسعه ادراکات و رهایی از خودبیگانگی دانش آموزان می باشد درگرو آشنایی و تسلط بر زبان مادری است که کودک در بدو ورود به مدرسه با خود دارد. اگر تحصیل به زبان مادری باشد، برای دانش آموزان لذت بیشتری خواهد داشت. از نظر روان شناختی آموزش به زبان مادری سبب درک بهتر مطلب می شود و پیشرفت شناختی دانش آموزان را تامین می کند. از نظر اجتماعی سبب جذب راحتتر کودک در محیط اجتماعی خود می شود و به عنوان یک عنصر اصلی فرهنگی او را در ارتباط با گذشته فرهنگی خود قرار می دهد. (مرادی و سیف اللهی، ۱۳۹۱)

آموزش راهبردهای یادگیری به دانش آموزان: آموزش مهارت های یادگیری شناختی و فراشناختی، انگیزش دانش آموزان را افزایش می دهد. فراگیرانی که دارای سطوح بالای انگیزشی هستند از راهبردهای شناختی عمیق تر (مانند بسط) و فراگیران دارای انگیزش کمتر از راهبردهای سطحی استفاده می کنند (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۲). افراد با سطوح بالای انگیزش درونی، خود را درگیر موقعیت های جدید و تکالیف چالش برانگیز می کنند که این موقعیت ها مستلزم درگیری شناختی عمیق، تلاش و پایداری بالا، یادگیری معنادار و استفاده از راهبردهای موثر هستند؛ در حالی که افراد دارای سطوح پایین انگیزش درونی به منظور کسب پاداش ها و رویدادهای لذت بخش بیرونی تلاش می کنند. این افراد در قبال مسئولیت های خود، پایداری و

تلاش کمتری نشان می دهند؛ لذا برای موفقیت به دنبال راهبردهای سطحی یادگیری که تلاش کمتری می طلبند، می روند که این باعث یادگیری طوطی‌وار و سطحی می شود (اژه ای و دیگران، ۱۳۹۰).

ب) رابطه ی عاطفی درون مدرسه: روابط عاطفی درون مدرسه نیز می تواند با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه داشته باشد (شاهسونی، ۱۳۷۹). به نظر می رسد که هرچه با دانش آموزان دبیرستانی محترمانه و صمیمانه تر برخورد شود، میزان انگیزش پیشرفت تحصیلی آنها افزایش می یابد (زارع شاهی و دیگران، ۱۳۹۵).

به نظر اسپالدینگ (۱۹۹۶) رابطه ی معلم و شاگرد، جو عاطفی کلاس را تشکیل می دهد. وقتی معلم مانند دیکتاتور کلاس را اداره کند، جو عاطفی کلاس به هیچ وجه برای رشد و تربیت دانش آموزان مساعد نیست. چون دانش آموز باید بدون چون و چرا دستورات معلم را اجرا کند و یا به سخنان او گوش دهد. در چنین جوی امکان موفقیت، تحصیل و یادگیری دانش آموزان بسیار کم است. اما در محیط دموکراتیک، معلم و شاگرد، عاقلانه ترین راه را برای انجام امور تعلیماتی انتخاب می کنند، با هم در تهیه و تعیین هدف های تربیتی مشورت می کنند و کارها را بر طبق استعداد و تمایلات میان شاگردان تقسیم می کنند. در چنین وضعی معلم و شاگرد یک گروه تلقی می شوند و تفاهم مشترک بین معلم و شاگرد به نحو کامل موجود است و امکان پیشرفت تحصیلی و یادگیری دانش آموزان در حد مطلوبی وجود دارد. در چنین محیطی است که شاگردان می آموزند چگونه اعمال و رفتار خود را کنترل کنند و در ارتباط با دیگران عاقلانه عمل نمایند.

ج) سیستم تشویق و تنبیه: سیستم تشویق و تنبیه در آموزشگاه نیز عاملی است که می تواند انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش های موجود در ایران نشان می دهند که استفاده از روش های تشویقی، نتایج رضایت بخشی به دست می دهد و از تشویق به عنوان عاملی که در ایجاد انگیزه و کارایی دانش آموزان مؤثر است، یاد شده است (بهرامی و رضوان، ۱۳۸۵). تشویق یکی از عوامل بسیار مهم در تحریک انگیزه های تحصیلی دانش آموزان در جریان یادگیری و تقویت رفتارهای مطلوب است. تشویق فرصتی فراهم می کند تا دانش آموزان به توانایی ها و شایستگی های خود پی ببرند و با تصورات مثبت و ارزنده ای که در مورد عملکردهای آموزشی خود پیدا می کنند، عزت نفس خود را که در تحصیل و یادگیری های بعدی آنها بسیار مؤثر است، افزایش دهند. تنبیه اگر چه به معنای آگاه کردن است ولی بیشتر با کتک زدن و اعمال زور و فشار و تحقیر کودک تداعی می شود و بدترین نوع آن تنبیه بدنی است که غالباً نتیجه برعکس می دهد. نتایج مطالعات نشان دهنده ی آن است که تشویق و ترغیب چنانچه به موقع انجام شود ارزش آن به مراتب از تنبیه بیشتر است. به علاوه دانش آموز باید هنگامی تشویق شود که موفقیت جدیدی کسب کرده باشد و به دنبال آن تشویق، احساس رضایت خاطر کند. تشویق بیش از حد و نابجا، اثرش را از دست می دهد (سیف، ۱۳۹۲).

د) وسایل کمک آموزشی: استفاده از وسایل کمک آموزشی، ضمن برانگیختن انگیزه ی تحصیلی دانش آموزان، موجب می شود که آن ها به مشاهده کردن، آزمون و کسب تجربه های دست اول تشویق شوند، استعدادهای خود را آشکار کنند و مطالب را آسان تر، بهتر و زودتر فرا گیرند و برای مدتی طولانی در خاطره و حافظه خود نگهداری کنند. نکته ای که در استفاده از این وسایل قابل ذکر است، انتخاب درست و مناسب آنها برای ارائه ی مطالب درسی است. از این رو تکنولوژیست های آموزشی معتقدند که هر معلمی نه تنها باید با این وسایل آشنایی کامل داشته باشد و اطلاعات مورد نیاز را درباره ی هر یک کسب کند، بلکه باید در تهیه و ارزیابی آن ها تخصص لازم را دارا باشد. (زارع شاهی و دیگران، ۱۳۹۵)

ه) پیشرفت تحصیلی: درگیری در یادگیری فرایندی فعال است که مستلزم فعالیت های هشیارانه و عمدی است. حتی دانش آموزان زرنگ و بااستعداد هم اگر به تکالیف توجه نکنند و مقداری تلاش به خرج ندهند، در یادگیری درگیر نخواهند شد) تاوندرو، گوه، سون ۲۰۰۸). فراگیرانی که باور دارند تکالیف جالب، مهم و باارزش هستند، بیشتر در فعالیت های شناختی درگیر می شوند و از راهبردهای شناختی و نظارت بر تلاش بیشتری استفاده می کنند و قاعدتا از پیشرفت تحصیلی بالاتری نیز برخوردارند. همچنین وقتی فراگیر به طور ذاتی برای محتوای یادگیری ارزش قائل است، این امر بر خودتنظیمی و خودکارآمدی او اثر مثبت گذاشته و از این طریق پیشرفت تحصیلی را افزایش می دهد (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸).

و) اضطراب امتحان: هرچه انگیزش تحصیلی دانش آموزی بالاتر باشد نشانگر آن است که او می تواند دانش نظری خود را به صورت کار عملی، پروژه، مقاله و... درآورد و توانایی و باور خود به توانمندی خویش را بروز دهد که چنین باوری از بروز رفتارهایی چون اضطراب امتحان که نشأت گرفته از انگیزش منفی است، پیشگیری کند. به طور کلی تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می دهند که اضطراب امتحان دانش آموزان با انگیزش پیشرفت آنان رابطه منفی و معنادار دارد؛ یعنی دانش آموزان دارای اضطراب بالا، انگیزش پیشرفت کمتری دارند و اضطراب امتحان، عملکرد و یادگیری آنان را دچار مشکل می کند. بنابراین اضطراب عامل خوبی برای پیش بینی و تعیین انگیزش پیشرفت محسوب می شود. (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۲)

۳-۴) نقش و اهمیت رفتار معلم در افزایش انگیزش تحصیلی دانش آموزان

مهمترین اصل در آداب تعلیم و تربیت اسلامی ایمان و تقوا است. معلم بودن و الگو بودن، خود موهبت الهی است؛ تا آن جا که شغل معلمی را بر گرفته از رسالت انبیاء می دانند. به طور اجمال آن چه یک معلم برای پیشرفت هر چه بیشتر خود به عنوان یک الگوی تربیتی مطلوب باید مد نظر داشته باشد چنین است:

۱. شناخت هر چه بیشتر خود و خدای خود (من عرفه نفسه فقد عرفه ربه)

۲. آراسته بودن به صفات نیک الهی و عامل بودن که بسیار مهم است.

۳. صبور بودن و رعایت اعتدال در رفتار

۴. دانش آموزان خود را، دوست داشته باشند و آن ها را بشناسند (تفاوت های فردی)

۵. در جهت ارتقای سطح کیفی و کمی خود و دانش آموزان کوشا باشد.

راه گشایش کلاس را باید در مقبولیت معلم دانست. هر قدر این مقبولیت بیش تر باشد، اثر تعلیم و تربیت بیشتر، دوام آن زیادتر و کار معلم آسان تر است. عوامل عمده ی ایجاد مؤفقت از این قرارند: نخست برخورداری از موفقیت علمی است یعنی دانش آموز، معلم را به عنوان فردی آگاه، باسواد و مسلط به رشته ی درسی خود بشناسد، بدین معنی که همواره درباره ی رشته ی تدریس خود مطالعه و تحقیق داشته باشد. در مرحله ی بعد، معلم باید از شخصیتی قابل احترام برخوردار باشد مانند: نظم در رفتار و گفتار، داشتن ادب در مناسبات اجتماعی، آراستگی ظاهر و ... با توجه به آن چه مطرح شد، منظور از صفت مقبولیت این نیست که معلم مطابق میل و خواست دانش آموزان رفتار کند تا مورد مقبولیت واقع شود بلکه منظور مقبولیتی است که فرد با مراعات حدود و اصول عقلی و اخلاقی در نزد عقل های سلیم پیدا می کند. سقراط فیلسوف یونانی می گوید: از چه کسی جز آن که دوست ماست می توان چیزی آموخت. در واقع معلم باید از ویژگی های شخصیتی مطلوبی برخوردار باشد. زیرا شخصیت وی و علاقه و ایمانش، از عوامل بسیار مهم و مؤثر در فرایند آموزش است. معلم خوب در درجه ی اول باید انسان خوبی باشد. مگر نه این که وظیفه ی او همچون وظیفه ی انبیاست و مگر نه این که به بسیاری از بزرگان و مصلحان اجتماعی، صفت معلمان و مربیان بزرگ را داده اند. اگر انسان بودن و انسان دوستی در مرکز فعالیت های ما معلمان قرار نگیرد، هرگز در کار خود موفق نخواهیم بود. علاوه بر مقبولیت شخصیت، معلم باید دوست داشتنی و دلنشین باشد. وقتی ما به دانش آموزان همچون فرزندانمان علاقه مند باشیم، از خطاهای او دلگیر نمی شویم و از خدمت به او نیز در حد توانایی فروگذار نمی کنیم. این جاست که می توانیم بگوییم با صداقت، محبت و صمیمیت دارای چنین محبوبیتی می شود که دانش آموزان همواره او را به نیکی می شناسند و از او به عنوان یک الگوی مورد علاقه و مطلوب یاد می کنند (اشرف حیدری و شاملی، ۱۳۸۹، ص ۱ و ۲).

فن معلمی هنری است ظریف و حساس که با کمترین لغزش و خطا خسارت جبران ناپذیری بر شخصیت فراگیر وارد شده و قطعاً هر گونه رفتار صحیح و سنجیده موجب آینده ای درخشان برای فرد می شود. یک معلم باید به گونه ای رفتار کند که اولاً ارتباط عاطفی و معنوی محبت آمیزش با دانش آموزان حفظ شود و ثانیاً مدیریت و کنترل کلاس را به نحو شایسته ای انجام دهد و از منظری دیگر معلم باید در مقابل رفتارهای نامطلوب فراگیران از جمله خستگی از درس و استقلال طلبی در برابر معلم و احیاناً بی توجهی به مقررات کلاس تصمیم درست و شایسته ای را اتخاذ کند (بیگدلی، ۱۳۹۱، ص ۱).

موقعیت و شرایط محیط آموزشی از جمله عواملی است که با بی انگیزگی دانش آموزان ارتباط نزدیک دارد. معلم مهم ترین نقش را در مدرسه ایفا می کند و چگونگی عملکرد دانش آموز به رفتار معلم بستگی دارد. برای معلم انگیزه ی دانش آموز هم به عنوان هدف و هم به عنوان وسیله ی پیشرفت در سایر زمینه ها اهمیت بسیار بالایی دارد (نصیری و زرنندی، ۱۳۹۸).

یک نظریه ضمنی در تعلیم و تربیت این است که انگیزش درونی، تعاملی و میان فردی است و در ضرب المثل ها و فرهنگ های گوناگون بازتاب یافته است. بر مبنای آن، هرگاه معلم، انگیزش درونی نسبت به درس داشته باشد، می تواند این انگیزش را به دانش آموزان خود منتقل کند. شواهد تجربی این موضوع را تائید می کنند (سلار و وید، ۱۹۸۸). بنابراین، اشتیاق معلمان به شور و شوق دانش آموزان تبدیل می شود و از معلم به دانش آموزان انتقال می یابد. مثلا وایلد و همکاران (۱۹۹۲) دریافتند که دانش آموزانی که احساس کنند معلم آنها داوطلبانه آموزش می دهد، بیشتر از دانش آموزانی انگیزش درونی نسبت به درس پیدا می کنند تا اینکه احساس کنند، معلم برای دریافت پول تدریس می کند. به عبارت دیگر معلم الگویی است که متغیرهای روان شناختی از طریق وی در دانش آموزان درونی می گردد. پژوهش ها نشان داد که اشتیاق معلمان با انگیزش درونی دانش آموزان و سرزندگی آن ها بیش از بقیه رفتارهای معلم ارتباط دارد. معلمی که به سبک پویا، مطالب خویش را با اشتیاق عرضه می دارد، جو کلاس خویش را متحول ساخته و دانش آموزان وی گزارش بیشتری از انگیزش درونی نسبت به مطالب درسی داشته و نیز انرژی بالاتری در کلاس درس را گزارش می کنند. (یوسف زاده و همکاران، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر؛ نگرش ها و باورهای معلم در تدریس و یادگیری در کلاس قویا از طریق چگونگی الگودهی او به دانش آموزان منتقل می شود. همه می دانیم که رفتار معلم، و به عبارتی الگوی رفتاری معلم به خودی خود تأثیر مهمی بر رفتار دانش آموزان دارد. اگر معلم نسبت به مطالبی که تدریس می کند بی رغبتی نشان دهد، ایجاد انگیزه در شاگردان عملا غیر ممکن خواهد شد. برعکس کسالت آورترین مطالب می تواند برای دانش آموزان مطبوع و جذاب باشد اگر معلم علاقمندی خود را نسبت به آن به نمایش بگذارد. (موسوی زاهد، ۱۳۸۹، ص ۲)

عریضی، عابدی و تاجی (۱۳۸۶) در پژوهش خود نشان دادند از میان تمامی رفتارهای معلم، اشتیاق وی تأثیر بیشتری بر سرزندگی و انگیزش دانش آموزان دارد. به عبارت دیگر، معلمی که مطالب خویش را به سبک پویا و با اشتیاق عرضه می دارد، فضای کلاس را متحول می سازد و دانش آموزان وی از انگیزش درونی نسبت به مطالب درسی برخوردارند و نیز انرژی بیشتری را در کلاس درس گزارش می کنند. علاوه بر اشتیاق معلم در تدریس، حمایت وی از استقلال دانش آموزان، تسلط به مفاهیم درسی و بیان شفاف و واضح آن ها از جمله رفتارهایی است که باعث بالا رفتن انگیزش درونی دانش آموزان می شود. (سیف، ۱۳۷۹). به نظر آزوبل، سائق شناختی و انگیزش یادگیری، معلول تجارب موفقیت آمیز یادگیرنده در برخورد با موضوع های درسی است. بنا به سفارش های آزوبل «بهترین راه ایجاد علاقه و انگیزه در یادگیرندگان این است که بکوشیم تا به نحو هرچه موثرتر در آنها یادگیری ایجاد نماییم. خواهیم دید که به رغم بی علاقهی آنها نسبت به موضوع یادگیری یاد خواهند گرفت و یادگیری به ایجاد علاقه در آنها منجر خواهد شد» (آزوبل، ۱۹۶۷؛ به نقل از سیف، ۱۳۷۹).

معلم ها، به مقدار زیادی کفایت و کاردانی در ارتباط محتاجند. معلمی که ذهن روشن و آگاه دارد نسبت به معنا و مفهوم واژه ها حساسیت نشان می دهد. او می داند موضوع درسی که دانش آموز یاد می گیرد اغلب به سبک کار معلم بستگی دارد. او از احساسات آگاه است و گفتار مناسبی دارد که از طریق آن درک و تفاهم را به دانش آموز انتقال می دهد. او نسبت به ارتباطی که دانش آموز را خراب می کند آزرزی دارد. او از سرزنش و شرمسار کردن دانش آموز پرهیز می کند و از اهانت و تشر زدن به او نفرت دارد. گفتار او خالی از هرگونه مکالمه مخرب و بیان غلط و اشتباه است (یوسف زاده و همکاران، ۱۳۹۴).

همچنین یکی از مهم ترین ویژگی هایی که رفتار یک معلم باید داشته باشد، شناخت استعدادها و توانایی های دانش آموزان و ایجاد انگیزه و اراده در آن ها با استفاده از روش های مختلف است تا این دانش آموزان در مسیر موفقیت گام بردارند و در برابر مسایل و مشکلاتی که در طول این مسیر ممکن است برایشان اتفاق بیفتد، تسلیم نشده و با تکیه بر همین انگیزه و اراده خود، مسیر موفقیت را بپیمایند و به قله های پیشرفت و ترقی دست یابند. نقش معلم در ایجاد انگیزه در دانش آموزان یک نقش کلیدی و مهم است. به گونه ای که یک معلم توانمند می تواند به واسطه شناختی که از دانش آموزان به دست می

آورد، استعدادها و توانایی های آنها را کشف کرده و با استفاده از روش های مختلف، باعث افزایش انگیزه و ترغیب دانش آموزان به یادگیری شود (توکلی و دیگران، ۱۴۰۰). اگر معلم بتواند انگیزه لازم و مناسب را در دانش آموزان به وجود آورد، آن ها به درس و مدرسه بیشتر علاقه مند می شوند و در فرایند یادگیری و آموزش، عملکرد بهتری خواهند داشت. بنابراین معلم برای دستیابی به این امر، باید از میزان توانایی، نیازها و خصوصیات رشد دانش آموزان در هر یک از دوره های تحصیلی کاملاً آگاه باشد تا بتواند با به کارگیری فنون و روش های مناسب، فرایند یاددهی- یادگیری را با تجربیات و نیازهای دانش آموزان هماهنگ سازد؛ زیرا فقط در این صورت است که هر دانش آموز با هر ویژگی و استعدادی که دارد، انگیزه لازم را به دست می آورد، در جریان یادگیری و آموزش فعالانه شرکت می کند و براساس ظرفیت روانی و ذهنی خود از محتوای آموزشی و مطالب درسی که توسط معلم ارائه می شود، استفاده می کند (یوسف زاده و همکاران، ۱۳۹۴).

۴-۴) نقش سبک مدیریت کلاس در انگیزش تحصیلی:

سبک مدیریت کلاس یکی از متغیرهایی است که می تواند نقش مهمی در انگیزش و پیشرفت کلاس داشته باشد. سبک مدیریت کلاس عبارت است از کلیه ی تلاش های معلم برای سرپرستی فعالیت های کلاس که شامل تعاملات اجتماعی، رفتار دانش آموزان و یادگیری است (ولفکانک و گلیکمن، ۱۹۸۶؛ به نقل از مارتین و بالدوین، ۱۹۹۸). سه نوع سبک در مدیریت کلاس وجود دارد که عبارتند از:

الف: سبک غیرمداخله گر (واگذاری مسئولیت ها به دانش آموزان و فرصت بیشتر برای تعامل آزاد در کلاس و پیروی آن ها از علایق شخصی خود).

ب: تعامل گرا (کنترل و انضباط در سایه ی تعامل میان دانش آموز و معلم و سهیم شدن دانش آموزان در برنامه ریزی و ساماندهی کلاس).

ج: مداخله گر (تأکید بر اعمال کنترل و نظارت بیشتر بر فعالیت ها و رفتار دانش آموزان و تأکید بر قوانین و انضباط کلاس). پژوهش ها نشان می دهد که سبک های رهبری معلمان در کلاس نقش مهمی در موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ایفا می کند و سبک مدیریت معلمان نقش مهمی در درگیری دانش آموزان در کلاس و ایجاد انگیزه در آنان دارد. کانتر، جورجین بایومتر و کولر (۲۰۰۵) نشان دادند که وضوح نقش معلمان و کنترل معلمان به طور مثبت با علاقه ی دانش آموزان در ارتباط است. دیجیک و استوجیلیکویک (۲۰۱۱) نشان دادند زمانی که معلمان سبک مدیریت کلاسی تعامل گرا را به کار می برند، دانش آموزان پیشرفت تحصیلی بالاتری دارند و زمانی که معلمان مداخله گر هستند، انگیزه تحصیلی و به تبع آن پیشرفت تحصیلی پایینی دارند.

سبک مدیریت تعامل گرا به دانش آموزان امکان می دهد که در کلاس احساس استقلال و خودمختاری کنند و باعث می شود که آنان در انجام امور کلاسی انتخاب شخصی داشته باشند (گای، مارش و داوسون، ۲۰۰۵). طرفداران مدیریت کلاس تعامل گرا معتقد هستند چون یکی از اهداف بلند مدت و ضمنی تعلیم و تربیت، کمک به دانش آموز در آموختن و کنترل رفتار خویش است، پس باید به آنها فرصت هایی برای کنترل رفتار داده شود تا بتوانند بر رفتارهای خویش کنترل داشته باشند و از این طریق، انگیزش درونی خویش را تقویت کنند. در مورد رابطه ی منفی سبک مدیریت تعامل گرا با انگیزش بیرونی نیز می توان گفت چون در کلاسی که برخوردار از روش مدیریت تعامل گرا باشد، تعامل معلم با دانش آموزان و دانش آموزان با دانش آموزان در کنترل کلاس برای اکثر دانش آموزان به عنوان یک تشویق محسوب می شود؛ بنابراین هر چه در یک کلاس این سبک مدیریت بیشتر اعمال شود، دانش آموزان تنظیم بیرونی پایینی خواهند داشت. زیرا در تنظیم بیرونی رفتارهای دانش آموزان از طریق ابزارهای بیرونی مانند پاداش و محدودیت تنظیم می شود (همان، ۲۰۰۵) نه از طریق پاداشهای درونی و خودجوش.

۴-۵) راهبردهای ایجاد انگیزش در یادگیرندگان

ایجاد انگیزش در یادگیرندگان نسبت به یادگیری، وابسته به بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفیت روش‌های آموزشی است. از این طریق، یادگیرندگان در یادگیری به موفقیت بیشتر می‌رسند و این کسب موفقیت، علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می‌دهد.

در ادامه روش‌ها و فنونی معرفی شده که استفاده از آنها معلم را در بالا بردن سطح انگیزش یادگیرندگان یاری می‌دهد. در تدوین این قوانین از همه نظریه‌های انگیزشی و یافته‌های پژوهشی مربوط به یادگیری و انگیزش استفاده شده است (سیف، ۱۳۷۹).

۱- بیان اهداف آموزشی در ابتدای تدریس: ترغیب و هدایت یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان، مستلزم بیان صریح هدف‌های آموزشی و نوع رفتارها یا مهارت‌هایی است که قرار است آنها را بیاموزند. پژوهش‌های انجام شده نشان دادند، یادگیرندگانی که از هدف‌های درس و آموزش مطلع نمی‌شوند به خوبی یادگیرندگانی که معلم پیش از آغاز درس دقیقاً به آنها می‌گوید که چه انتظاراتی از آنها دارد در پیشرفت درسی موفق نمی‌شوند. علاوه بر این معلمان باید در ضمن دادن هدف‌های آموزشی به یادگیرندگان در آنها نسبت به نتایج یادگیری انتظارات مثبت ایجاد کنند. ندادن اطلاعات ضروری به یادگیرندگان درباره نتایج فعالیت‌های یادگیری شان یا ایجاد انتظارات منفی در آنها درباره کاری که باید انجام دهند منجر به انگیزه یادگیری سطح پایین در آنها خواهد شد (گیج و برلایندر، ۱۹۸۴؛ به نقل از سیف، ۱۳۸۰). لازم است معلم علاوه بر هدف‌های آموزشی، خودش از یادگیرندگان بخواهد تا آنان نیز برای خود هدف‌های یادگیری برگزینند. بنا به گفته فتسکو و مککلور (۲۰۰۵)، داشتن هدف از سوی یادگیرنده موجب بالا رفتن سطح انگیزش می‌شود. به طور کلی هدف‌های یادگیرندگان زمانی بیشترین تاثیر را بر انگیزش آنان دارد که دقیق و قابل دستیابی باشند و باور کنند که رسیدن به هدف‌ها برایشان مهم است (سیف، ۱۳۸۰).

۲- استفاده از تشویق‌های کلامی در شرایط مقتضی: در بسیاری مواقع تقویت ملموس به اندازه تشویق‌های کلامی معلم موثر نیست. استفاده از اظهاراتی چون: خوب، عالی و آفرین پس از عملکرد درست دانش‌آموز از تدابیر موثر انگیزشی است. تشویق دانش‌آموز ساده‌ترین و طبیعی‌ترین وسیله‌ای است که در اختیار معلمان قرار دارد و موثرترین تشویق، آن است که به رفتار و عملکرد در سطح دانش‌آموز وابسته باشد. ضمناً معلم نباید بیشتر از اندازه لازم دانش‌آموزان را مورد ستایش و تشویق قرار دهد. تشویق بیش از حد اثرش را از دست می‌دهد و از خاصیت تقویت‌کنندگی آن می‌کاهد. علاوه بر اظهارات شفاهی، تشویق‌های کتبی در ورقه امتحانی و دفترچه تکلیف دانش‌آموزان در یادگیری آن اثر مثبت دارد. پژوهش‌هایی که پیچ (۱۹۵۸) در این باره انجام داده او را متقاعد کرده که وقتی معلم به خود زحمت می‌دهد و در دفترچه تکلیف دانش‌آموزان، اظهارات تشویق آمیزی می‌نویسد، این اظهارات، بر کوشش، دقت، نگرش یا هر آنچه سبب افزایش یادگیری دانش‌آموزان می‌شود تاثیر چشمگیری بر جای می‌گذارد. این تاثیر از توانایی دانش‌آموز برای یادگیری مستقل است (سیف، ۱۳۷۹).

۳- استفاده از آزمون‌ها و نمرات به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد انگیزش در یادگیرندگان: از آنجا که نتایج آزمون‌ها به صورت نامه‌هایی که به یادگیرندگان داده می‌شوند با پاداش‌های مختلف و تایید معلم و والدین، ارتقا به کلاس بالاتر، دریافت گواهینامه ورود به دانشگاه، کسب مشاغل مورد علاقه و مواردی نظیر اینها وابسته‌اند، نمره‌های معلمان دارای ارزش انگیزشی زیادی هستند. بنابراین معلم می‌تواند با اجرای مکرر آزمون‌ها، سطح انگیزشی یادگیرندگان را بالا ببرد. با این حال نکته‌ای که باید در رابطه با آزمون‌ها و امتحانات مختلف در نظر گرفته شود این است که از آنها به عنوان وسیله‌ای برای دادن بازخورد به دانش‌آموزان در رابطه با نحوه عملکرد و میزان یادگیری شان استفاده شود نه به عنوان وسیله جهت ارباب و تنبیه آنها (سیف، ۱۳۷۹).

۴- استفاده از خاصیت برانگیزندگی موضوعات مختلف: محرک‌های تازه، تعجب‌برانگیز و پرمعنی سطح برانگیزندگی را افزایش می‌دهند و سبب تحریک کنجکاوای یادگیرنده می‌شوند. معلم می‌تواند با ارائه مسائل و مطالبی که از این ویژگی‌ها برخوردارند در یادگیرندگان ایجاد انگیزش نماید.

۵- ارائه مطالب آموزشی از ساده به دشوار: ارائه مطالب درسی به صورت متوالی از ساده به دشوار موجب می‌شود که یادگیرندگان ابتدا در یادگیری مطلب ساده به اندازه کافی موفقیت به دست آورند. این موفقیت اولیه، انگیزش یادگیرنده را برای یادگیری های بیشتر افزایش می دهد و بر آمادگی او می افزاید. علاوه بر این کسب پیشرفت، غالباً به دریافت پاداش و تایید از سوی معلم و والدین منجر می شود که این خود یکی از عوامل مهم انگیزشی به شمار می آید. بنابراین معلم باید سعی کند تا در تمام مراحل آموزشی برای همه یادگیرندگان فرصت کسب موفقیت فراهم آورد (سیف، ۱۳۷۹).

۶- جلوگیری از ایجاد رقابت ناسالم بین دانش آموزان: معلم باید از ایجاد رقابت بین دانش آموزان که به کسب موفقیت در معدودی از آنها و شکست اکثریت آنها می‌انجامد، جلوگیری به عمل آورد. معلم به این منظور می‌تواند از تدابیر مختلفی استفاده کند. به عنوان مثال برای جلوگیری از ایجاد رقابت میان دانش آموزان در بحث های کلاسی، معلم می‌تواند در جریان بحث، پس از گفتن نام دانش آموزی معین به طرح سوال بپردازد نه این که ابتدا سوالات را طرح کند و بعد از کلاس بخواهد تا هر که می‌تواند به طور داوطلبانه به سوال او جواب دهد. بردن نام دانش آموز پیش از طرح سوال موجب خواهد شد که معلم مشارکت همه دانش آموزان را در فعالیت های آموزشی جذب نماید و همه آنان تقویت دریافت کنند. اما اگر معلم ابتدا سوالی را طرح کند و بعد از دانش آموزان بخواهد که می‌توانند به آن جواب دهند، تعداد کمی از دانش آموزان مستعد و قوی کلاس به سوال های معلم پاسخ خواهند داد و تنها آنها مورد تایید و تقویت قرار خواهند گرفت (همان، ۱۳۷۹).

۷- استفاده از مثال ها هنگام آموزش و استفاده از موقعیت های تازه به هنگام بیان کاربرد مطالب آموخته شده: آموزش مطالب تازه با استفاده از مثال ها و موارد ملموس و آشنا برای یادگیرندگان به جریان یادگیری سرعت می‌بخشد و سطح علاقه مندی دانش آموزان را افزایش می دهد. (همان، ۱۳۷۹).

۸- استفاده از روش های متنوع آموزشی و مشارکت دادن دانش آموزان در کلاس: بحث گروهی، بازی های آموزشی، گزارش انفرادی و گروهی به وسیله دانش آموزان، گزارش مطالب دروسی مانند تاریخ به صورت نمایش زنده و هر تصویر دیگری که دانش آموزان را در فعالیت یادگیری شرکت دهد به مقدار زیاد انگیزه آنها را بالا می برد. کسل کننده ترین روش آموزشی آن است که معلم تمام وقت کلاس را به خود اختصاص دهد و فرصت هیچ‌گونه فعالیت و اظهار نظری را به یادگیرندگان ندهد. پژوهش های متعدد نشان دادند که یکی از بهترین راه های ایجاد انگیزه در یادگیرندگان شرکت دادن آنها در فعالیت های کلاسی است (همان، ۱۳۷۹).

۹- کاهش پیامدهای منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیت های یادگیری: مشارکت دانش آموزان در جریان یادگیری باید با تقویت مثبت مواجه شده و موجب دلسردی آنها نشود. برای این منظور معلم باید سعی کند از پیامدهای آزارنده این کار جلوگیری به عمل آورد. از جمله عواملی که ممکن است در جریان یادگیری باعث دلسردی دانش آموزان و دانشجویمان شود می توان موارد زیر را نام برد (همان، ۱۳۷۹):

گرفتن نمره کم در امتحانی که معلم محتوای آن را قبل از آموزش نداده است- اجبار در انجام تکالیف که سطح دشواری آنها فراتر از توانایی یادگیرندگان است.- بی توجهی معلم به کوشش های یادگیرندگان.- مجبور ساختن یادگیرندگان به رقابت با کسانی که از آنان توانایی بیشتری دارند.- مجبور ساختن یادگیرندگان به ساکت و آرام نشستن در کلاس و گوش دادن به سخنرانی های خسته کننده معلم - مجبور ساختن یادگیرندگان به انجام کارهای تحقیرآمیز و دور از حیثیت آنان.

۱۰- درخواست تکالیفی که نه ساده و نه دشوار باشد: افراد دارای انگیزش پیشرفت به سراغ تکالیفی می‌روند که مستلزم قدری خطر کردن است. این نوع تکالیف اگر به درستی انجام پذیرند منجر به افزایش احساس اعتماد به نفس در یادگیرنده می‌شوند. اما تکالیف بسیار آسان به چنین احساسی نمی‌انجامد و تکالیف بسیار دشوار نیز غالباً به شکست و ناکامی فرد منجر می‌شود. براین اساس، سطح مسائل و تکالیف درسی باید منطبق بر سطح توانایی یادگیرنده باشد به گونه‌ای که با کوششی که به کار می‌گیرد از عهده انجام آنها برآید. یادگیرندگان زمانی از بیشترین میزان انگیزش برای یادگیری برخوردارند که سطح چالش برانگیزی تکالیف یادگیری متوسط باشد (فتسکو و مککلور، ۲۰۰۵؛ به نقل از سیف، ۱۳۷۹).

۱۱- بیان معنی دار مطالب درسی: روان‌شناسان انسان‌گرا معتقدند که انگیزه واقعی انسان‌ها در انگیزه‌های درونی و خودجوش آنها است. طبق این نظر، افراد بشر در صدد کشف اطلاعات و درک معانی امور هستند و این موجب یادگیری آنها می‌شود. لذا هر قدر مطالب، معنی دارتر و منطقی تر جلوه کنند، کنجکاوی فرد را بیشتر تحریک می‌نمایند. بنابراین معلم باید هم مطالب یادگیری را معنادار جلوه دهد هم فرصت یادگیری اکتشافی را برای دانش آموزان فراهم کند تا دانش آموزان خود به کشف معنی مطالب بپردازند. برای این منظور فضای آموزشی باید باز و آزاد و انسانی باشد به گونه ای که افراد آزادی عمل داشته باشند تا هر شیوه یادگیری را که مایلند خود انتخاب نمایند. یکی از شرایط مهم آموزش آفرینندگی، ایجاد فضای آزاد یادگیری و تشویق یادگیرندگان به اظهار عقاید و اندیشه‌های خود و همچنین تشویق آنها به استفاده از روش های اکتشافی و ابدایی یادگیری است.

۱۲- استفاده از مشوق های درونی و بیرونی: مشوق درونی به جنبه‌هایی از فعالیت یادگیری گفته می‌شود که مورد علاقه یادگیرنده اند و لذا به خودی خود خاصیت انگیزشی دارند. مشوق بیرونی به پاداش و تقویت کننده هایی که نسبت به فعالیت یادگیری جنبه بیرونی دارند، مانند ستایش و نمره خوب گفته می‌شود. بعضی وقت ها موضوع یادگیری به گونه‌ای است که برای دانش‌آموزان مفید و مورد نیاز آنان است و با اشتیاق آن را یاد می‌گیرند. برای نمونه بسیاری از دانش‌آموزان با اشتیاق درس های مکانیکی اتمبیل یا عکاسی را انتخاب می‌کند و برای یادگیری آنها سخت می‌کوشند. برای این دانش‌آموزان، خود فعالیت یادگیری جنبه تشویقی دارد و نیازی به مشوق بیرونی نیست (اسلاوین، ۲۰۰۶؛ به نقل از سیف، ۱۳۷۹). این‌گونه یادگیرندگان برای انجام کارهای مورد علاقه شان دارای انگیزش درونی هستند و نیاز به مشوق بیرونی ندارند. معلم باید سعی کند تا آنجا که می‌تواند موضوع ها و فعالیت های مورد علاقه یادگیرندگان را در اختیار آنان بگذارد. متأسفانه بعضی موضوع‌های درسی آموزشگاهی چندان مورد علاقه دانش‌آموزان نیستند و یادگیری آن ها به خودی خود موجب تشویق و تقویت آنان نمی‌شود. در این‌گونه مواقع، استفاده از مشوق های بیرونی متنوع ضروری است. از جمله مشوق های بیرونی می‌توان به نمرات معلمان، تشویق های کلامی و غیرکلامی و سایر تدابیر مربوط به ستایش فعالیت های موفقیت آمیز یادگیری اشاره کرد.

۱۳- دادن فرصت به دانش‌آموزان در بیان معلومات خود و آنچه خارج از کلاس از خانواده و دیگران آموخته اند.

۱۴- دادن مسئولیت یادگیری به دانش‌آموزان؛ چنین شیوه ای منجر به جلوگیری از دو مشکل رویکرد معلم مدار در انتقال اطلاعات خواهد شد: الف. از افت یادگیری که نتیجه ی مسئولیت ناچیز دانش آموز در توسعه بخشیدن به مهارت های لازم برای تحقیق و پردازش اطلاعات مرتبط است پیشگیری می‌شود. ب. مشکل دوم که مهم تر است، پیام ضمنی رویکرد معلم مدار می باشد که معلم را ملزم می‌کند تمام اطلاعات مربوط به موضوع را بداند، و مسئولیت کامل را بر دوش معلم می‌اندازد درحالی‌که اطلاعات و دانش معلم هم نسبی است و او نیاز به اطلاعات بیشتر دارد. با توجه به حجم اطلاعات و دانش روز امکان گرد آمدن همه ی آنها در یک فرد نمی باشد (مک‌کومبز و پاپ، ۲۰۰۳).

۱۵- محیط کلاس: هر معلمی در ابتدای ورود به کلاس، دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در ایجاد انگیزش در آنها مؤثر است. بنابراین رفتار معلم باید با در نظر گرفتن تمامی شرایط و موقعیت‌ها تا حد امکان خوب و دوستانه باشد تا بتواند در دانش‌آموزان نفوذ کند و با ایجاد انگیزه نقش مثبت و مؤثری را در یادگیری آنها، ایفا کند. همچنین کلاس از نظر روانی هم باید از شرایط لازم و مناسب برخوردار باشد؛ یعنی معلم نباید اجازه دهد شاگردان زورگو، امنیت روانی شاگردان ضعیف را به مخاطره بیندازند. معلمان می‌توانند مقررات مدرسه را به وضوح مشخص کنند. تحقیقات نشان می‌دهد دانش‌آموزان از آشکار بودن و عادلانه بودن قوانین مدرسه استقبال می‌کنند و اگر قوانین صریح و حمایت کننده باشد، به مطالعه و تحصیل علاقه‌مند می‌شوند. علاوه بر این کلاسی که از نظر وسعت، نور، هوا و... خوب و مناسب باشد، رغبت و تمایل شاگردان را برای حضور مرتب در کلاس بیشتر بر می‌انگیزاند (سیف، ۱۳۸۰).

۱۶- پرهیز از تبعیض: یکی از عواملی که موجب دلسردی و بی‌علاقگی به درس و تحصیل در دانش آموز می‌شود، تبعیضی است که معلم بین شاگردان قائل می‌شود. وقتی که معلم رفتار یکسان و عادلانه ای با دانش‌آموزان ندارد و برخی از آنها را بر برخی

دیگر ترجیح می‌دهد، باعث ایجاد نگرانی و بی‌علاقگی دانش‌آموزان به درس و مدرسه خواهد شد. دانش‌آموزان یک کلاس نمایندگان خانواده‌های مختلف هستند و قطعاً اختلافاتی در بین آنها وجود دارد. از این رو معلم نباید فقط به عده خاصی توجه کند؛ بلکه باید همه‌ی آنها را چه با استعداد و چه کم استعداد، فرزندان افراد با نفوذ، سرمایه‌داران، دولت‌مردان، کارگران و... همه را به یک میزان مورد توجه قرار دهد تا دانش‌آموزان، انگیزه و رغبت لازم برای آموزش و یادگیری را از دست ندهند و استعدادهای نهفته خود را شکوفا کنند (همان، ۱۳۸۰).

۱۷- انگیزه حس کنجکاوی: یکی دیگر از راه‌های ایجاد انگیزه، تحریک حس کنجکاوی دانش‌آموزان است. اگر معلم اهل مطالعه و تحقیق باشد و همواره تغییرات و تحولات مربوط به حرفه خود را پیگیری کند، به راحتی می‌تواند ضمن درس دادن، مسائل و موضوع‌های مختلفی نیز پیرامون آن مطرح کند، یا طرح‌هایی را ارائه دهد که نیاز به کنجکاوی و خلاقیت داشته باشد تا شاگردان وادار شوند برای یافتن پاسخ آنها به کوشش فکری بیشتر و تحقیق و پژوهش بپردازند. این مسأله بدون شک آنان را به جست‌جوی بیشتر برای دانستن و آموختن علاقه‌مند می‌کند. زیرا هر انسان سالم و امیدواری به طور فطری خواهان یافتن پاسخ‌های درست برای مسائل و معماهایی است که در برابر او قرار می‌گیرد (همان، ۱۳۸۰).

۱۸- والدین و معلمان گاهی از اوقات با سخنان به ظاهر ملایم و بی‌ضرر، موجب کاهش انگیزه در دانش‌آموز می‌شوند. آنان به دانش‌آموزی که در آستانه‌ی مردود شدن است می‌گویند: «ما می‌دانیم تو یک نابغه نیستی، توقع هم نداریم معجزه‌ای از تو ببینیم. فقط می‌خواهیم در حد توانایی ات درس بخوانی، اگر نمره‌ی قبولی بگیری ما راضی خواهیم بود». این نوع گفتار، دیگر به دانش‌آموز این امکان را نمی‌دهد که برای رسیدن به درجات عالی آموزش تلاش کند؛ اگر نهایت کوشش خودش را هم به خرج بدهد، بیش از یک «قبولی» انتظاری دیگر از خود ندارد. پیامی که می‌تواند منجر به ایجاد انگیزه در فرد شود این است: «ما انتظار داریم درس یاد بگیری و آدم تحصیل‌کرده‌ای بشوی. یادگیری یک امر تصادفی نیست، یادگیری مستلزم تلاش و عزمی راسخ است. ما چنین چیزی را از تو توقع داریم.» (بنی‌اسدی، ۱۳۸۵ به نقل از نصیری زرنندی، ۱۳۹۸)

۱۹- وقتی دانش‌آموز در کلاس مسأله‌ای را نمی‌فهمد، نباید آن را به هوش وی نسبت داد. بلکه برای این‌که مانع از شرمساری و کاهش انگیزه‌ی او شد، می‌توان گفت: «من در روشن ساختن این مسأله مشکل دارم. چطور است روش دیگری را به‌کار بگیریم.» (بنی‌اسدی، ۱۳۸۵ به نقل از نصیری زرنندی، ۱۳۹۸)

۲۰- ارزیابی رابطه‌ی والدین با دانش‌آموز به منظور بررسی این‌که آیا حمایت افراطی والدین یا بیخیالی و غفلت بیش از حد آنها موجب بی‌انگیزگی دانش‌آموز شده است یا خیر؟

۲۱- آموزش مکانیزم‌های مقابله‌ای مثبت، مثل: فنون آرمیدگی، خودگویی مثبت، بازسازی شناختی به دانش‌آموز؛ با این هدف که وی به هنگام مواجهه با اضطراب، ناکامی یا اشکال در کارهای مدرسه از آنها استفاده کند.

۲۲- ایجاد فرصت‌هایی برای خودمختاری دانش‌آموز توسط معلم. مثال: سپردن کلاس به دانش‌آموز. ذکر این نکته ضروری است که سپردن کنترل برخی امور به دانش‌آموز به این معنی نیست که آنها هر کاری را بخواهند، می‌توانند در سر کلاس انجام دهند، بلکه هدف این است که دانش‌آموزان کنترل شخصی را تجربه کنند و معلم فرصت‌هایی برای مشارکت آنها در فرایند یادگیری به وجود آورد. هنگامی که دانش‌آموزان به اهمیت کنترل شخصی و خودمختاری پی بردند، مسئولیت آنها برای یادگیری و تغییر باورهای که خوشایندتر است، افزایش می‌یابد (بنی‌اسدی، ۱۳۸۵ به نقل از نصیری زرنندی، ۱۳۹۸).

۲۳- معلم علاوه بر هدف‌های آموزشی خودش، از یادگیرندگان بخواهد تا آنان نیز برای خود هدف‌های یادگیری برگزینند. بنا به گفته‌ی فتسکو و مک کلور (۲۰۰۵)، داشتن هدف از سوی یادگیرنده موجب بالا رفتن سطح انگیزش او می‌شود. به طور کلی هدف‌های یادگیرندگان زمانی بیشترین تأثیر را بر انگیزش آنان دارد که دقیق و قابل دست‌یابی باشند و باور کنند که رسیدن به هدف‌ها برایشان مهم است (سیف، ۱۳۹۲، ص ۱۸۸).

۲۴- ایجاد نگرانی: داشتن نگرانی و تنش تا حدودی لازم است. زیرا فرد را تحریک می‌کند تا برای رسیدن به اهداف خود تلاش کند. اگر دانش‌آموز از نمره بد یا مردود شدن در امتحانات ترسی به خود راه ندهد، به درس خواندن و یادگیری نمی‌پردازد، البته اضطراب و نگرانی بیش از حد هم اندیشه و تمرکز حواس شاگرد را به هم می‌زند و مانع پیشرفت تحصیلی او می‌شود.

بنابراین اگر نگرانی به اندازه ای باشد که دانش آموز را به کار و فعالیت وا دارد، انگیزه‌ای بسیار ارزنده و سودمند است، ولی اگر تنش و نگرانی باعث پریشانی خاطر و اختلال در هوش و حواس شود، معلم باید با به کارگیری روش‌های مناسب آموزشی و تربیتی، شاگردان را از نگرانی نمره و امتحان به درآورد (سیف، ۱۳۸۰).

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته در این پژوهش، انگیزش مهم‌ترین پیش شرط یادگیری است و نقش عمده‌ای در جریان یادگیری ایفا می‌کند؛ به طوری که گاهی نقش انگیزه حتی بیشتر از هوش در روند پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان، نمود پیدا کرده و آنان را به سمت موفقیت تحصیلی سوق می‌دهد. تا کنون اثر بخشی عوامل مختلف از جمله عوامل فردی و محیطی بر انگیزه تحصیلی بررسی شد که از میان عوامل محیطی، معلم نقش بنیادی در این مهم ایفا می‌کند. معلم یکی از تاثیرگذارترین اشخاص در زندگی دانش آموزان است که می‌تواند از طریق رفتار و کردار، شیوه مدیریت کلاس درس، میزان اشتیاق نسبت به محتوای تدریس و نگرش و باورهای خویش، بر کاهش یا افزایش انگیزه دانش آموزان اثرگذار باشد. در حقیقت، معلمی که در کلاس خود همانند یک دیکتاتور عمل نمی‌کند و سعی می‌نماید با اشتیاق به موضوع تدریس خود و ورود به دنیای مطلوب دانش آموزان، جو صمیمی و تعاملی در کلاس درس ایجاد کند، یادگیرندگانی پرورش می‌دهد که علاوه بر با انگیزه بودن، معلم را در پویایی هر چه بیشتر کلاس درس یاری می‌دهند. در این مقاله راهبرد های مختلفی برای برانگیختن شوق به یادگیری و تحصیل، به اختصار بیان شد که نشان می‌دهد معلمان برای داشتن کلاسی پویا، بایستی به شیوه های مختلف ایجاد انگیزش در کلاس درس آگاه باشند. همچنین لازم به ذکر است که هر معلمی با توجه به شرایط کلاس و دانش آموزان، می‌تواند از انواع مختلف این روش‌ها بهره‌مند شود و حتی با ترکیب خلاقانه آن‌ها، شیوه‌های نوینی را در زمینه انگیزش تحصیلی ابداع و استفاده بنماید.

منابع

- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- یوسفی، ی؛ فرخی، ن؛ صرامی، غ. (۱۳۹۲). فراتحلیل عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی. فصلنامه اندازه گیری تربیتی، شماره ۱۳، صص ۱۷-۲۷.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی، روانشناسی یادگیری و آموزش، چاپ سیزدهم. تهران: آگاه.
- بخت آوری، نیره؛ (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر انگیزه تحصیلی دانش آموزان دبیرستان های شهر ارومیه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- یوسف زاده، م. عبادی، پ. قاسمی خلیفلو، ا. پیران ینگجه، ف. (۱۳۹۴) نقش معلمان در ایجاد انگیزش در دانش آموزان . کنفرانس سالانه رویکردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی.
- توکلی، ی. رحمانی، ه. توکلی، ر. توکلی، ع (۱۴۰۰) طراحی و تبیین نقش معلم در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموز. فصلنامه علمی - مطالعات کارورزی در تربیت معلم، دوره اول، شماره ۴.
- عریضی سامانی، س. عابدی، ا. تاجی، م. (۱۳۸۶). رابطه رفتارهای معلم با سرزندگی و انگیزش درونی دانش آموزان دبیرستان های شهر اصفهان. نوآوری های آموزشی، ۶ (۲۳)، ۱۳-۲۸.

- دکتر مولوی، پرویز و همکاران (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه ی تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، ص ۵۴
- روحی، قنبر و همکاران (۱۳۸۶). انگیزه ی تحصیلی و رابطه ی آن با برخی از عوامل در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ص ۷۸
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۲). روانشناسی پرورشی نوین (روانشناسی یادگیری و آموزش). ویرایش هفتم. تهران: نشر دوران.
- ال. اسپالدینگ، چریل. انگیزش در کلاس درس. ترجمه: محمدرضا نائینیان، اسماعیل بیابانگرد (۱۳۷۷). تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- عابدی، ا. عریضی، ح. سبحانی نژاد، م (۱۳۸۴) بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. پژوهش های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار سابق) ۲۹-۳۸
- شیخی، س. محسنی مقدم، ف. شاهمرادی، م (۱۳۹۵). نقش باورهای امید و خوش بینی در پیش بینی انگیزش تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان دهلران. ماهنامه علوم انسانی اسلامی .
- عبداللہی، س. عباسی، م. ترشیزی برگویی، ع. پرهوده، ف (۱۳۹۵) بررسی رابطه کم رویی و انگیزش پیشرفت در دانشجویان رشته علوم تربیتی مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور سبزوار. کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم.
- صوفی، ص. صدقی بوکانی، ن. علی زاده، گ. کریمی، س (۱۳۹۴) بررسی مدل علی خودپنداره تحصیلی و انگیزش تحصیلی خودمختار: نقش میانجی پیشرفت تحصیلی و راهبردهای یادگیری. اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه، بصورت الکترونیکی، شرکت طلای سبز، انجمن پایش.
- زارع شاهی، ا. اخوت، ع. ناظمی اردکانی، ب (۱۳۹۵) عوامل مؤثر بر انگیزه ی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. نخستین همایش ملی تازه های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران.
- دهستانی اردکانی، ف. منصوری، د. رضاپور میرصالح، ی (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان. نخستین همایش ملی تازه های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان.
- اسماعیلی، ز. قاسم نژاد، ع (۱۳۹۵). بررسی تاثیر نحوه مدیریت کلاس درس بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان. ماهنامه «علوم انسانی اسلامی» ۱ (۱۴)
- خاکپور، ع؛ درویشی، ح. (۱۳۹۵) نقش اخلاق حرفه ای معلمان در تقویت انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی ۴-۵
- مرادی، ش؛ سیف اللہی، س (۱۳۹۱) مطالعه و بررسی تاثیر آموزش به زبان مادری بر افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان (مطالعه موردی: دانش آموزان مقطع متوسطه ناحیه یک شهر سنندج) (۹۲-۱۳۹۱). مطالعات جامعه شناسی ۵-۸
- اژہ ای، ج؛ ویسانی، م؛ سیادت، س، س؛ خضری آذر، ه (۱۳۹۰) انگیزش تحصیلی و اضطراب آمار: بررسی نقش میانجی راهبردهای یادگیری. مجله روانشناسی، سال ۱۵، شماره ۲، ۱۱۰-۱۲۸
- بهرامی،؛ رضوان، ش (۱۳۸۵). بررسی رابطه ی بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره ی متوسطه ی شهر اصفهان با ویژگی های آموزشی آنان. مجله ی پژوهش های تربیتی و روانشناختی، دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان سال دوم، شماره ی ۲، شماره ی پیاپی ۱. ۶۱-۷۲
- یوسفی، ع؛ قاسمی، غ؛ فیروزنیا، س (۱۳۸۸) ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۹، شماره ۱. ۷۹-۸۵
- اشرف حیدری، علی؛ شاملی، عباسعلی (۱۳۸۹). بررسی نقش شخصیت و رفتارهای اخلاقی دبیران معارف اسلامی در الگو پذیری دانش آموزان مقطع متوسطه، صص ۱۸۹-۲۲۲
- بیگدلی، حسین (۱۳۹۱). رابطه معلم با خلاقیت و نو آوری - تاثیر روابط انسانی بر یادگیری دانش آموزان، ص ۱

- نصیری زرنندی، زینب. (۱۳۹۸). چگونه توانستم انگیزه دانش آموزان اول دبستان را به منظور حضور فعال در کلاس افزایش دهم. مجله دستاورد های نوین در مطالعات علوم انسانی. سال دوم شماره ۲۳، اسفند ۱۳۸۸.
- موسوی زاهد، سید محمد رضا (۱۳۸۹)، شیوه و عمل رفتار معلمان چگونه بر انگیزه دانش آموزان تأثیر می گذارد؟ ص ۲.
- عریضی سامانی، س؛ عابدی، ا؛ تاجی، م. (۱۳۸۶). رابطه رفتارهای معلم با سرزندگی و انگیزش درونی دانش آموزان دبیرستان های شهر اصفهان. نوآوری های آموزشی، ۶(۲۳)، ۱۳-۲۸.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۹) روانشناسی پرورشی(روانشناسی یادگیری و آموزش). ویرایش ششم. تهران: آگاه.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۰) روانشناسی پرورشی(روانشناسی یادگیری و آموزش)، ویرایش ۵، تهران: انتشارات آگاه.
- _ باربارا مک کومبز، جیمز پاپ (۲۰۰۳)، پرورش انگیزه در دانش آموزان، (دکتر صغرا ابراهیمی قوام، مترجم)، انتشارات رشد.
- ناظری پور، م؛ ملاحسینی، م؛ سالاری، پ.(۱۳۹۴). تاثیر رفتار معلم بر انگیزه(انگیزش) یادگیری و اعتمادبنفس دانش آموزان. دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. بهمن ماه.
- علیرضایی، ر؛ سالاری، پ.(۱۳۹۴). بررسی نقش معلم در انگیزش تحصیلی دانش آموزان برای یادگیری. سومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران.

Chastain, K. (1988). *Developing second language skills: Theory and practice*. 3rd ed. San Diego: Harcourt Brace Jovanovich.

Gage, N.L., Berliner, D.C. (1984,1988,1992). *Educational psychology* (3rd, 4th and 5th ed.) Hopewell, NJ: Houghton Mifflin.

Bandura, A. (1995). *Self-efficacy in changing societies*. Cambridge university press.

Ekstrom, R. (1986). Who drops out of high school and why? Findings from a national study. *Teachers College Record*, 87(3), 356-73.

Spaulding, R. (1996). Achievement, creativity, and selfconcept: Correlates of teacherpupil transactions in elementary schools. *Hempstead, NY: Hofstra University*.

Christopher, C. (2008). A relationship among public school leadership, ethics, and student achievement. *In National Forum of Educational Administration & Supervision Journal*, Vol. 27, No. 2.

Sun, J., & Leithwood, K. (2015). Direction-setting school leadership practices: A meta-analytical review of evidence about their influence. *School Effectiveness and School Improvement*, 26(4), 499-523.

Towndrow, P., Koh, C., & Soon, T. (2008). *Motivation and practice for the classroom*. Senspublishers.

Wild, T.C., Enzle, M.E.,&Hawkins. W.L.(1992).Effects of perceived extrinsic versus intrinsic teacher motivation on student reactions to skill acquisition. *Personality and Social psychology Bulletin*.18.245-251.

Ausubel, D.P. (1967). A cognitive structure theory of school learning. In Siegel, S. (Ed.), *Scranton, Pennsylvania: Chandles*.

Martin, N.K. & Baldwin, B. (1998). Classroom management teaching. Class size and graduate study, EREC Identifier: ED 420671.

Kunter, M., Jürgen Baumert, J. & Köller, O. (2007). Effective classroom management and the development of subject-related interest. *Learning and Instruction*, 17(5), 494–509.

Djigic, G. & Stojiljkovic, S. (2011). Classroom management styles, classroom climate and school achievement. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 29(1), 819 – 828.

Guay, F., Marsh, H.W. & Dowson, D. (2005). Assessing Academic Motivation among Elementary School Children: The Elementary School Motivation Scale (ESMS). SELF Research Centre, University of Western Sydney, Australia.

Festco, T., & McClur, J. (2005). Educational psychology: an integrated approach to classroom decisions. New York: Pearson.

Page, E. B. (1958). Teacher comments and student performances. *Journal of educational psychology*, 49, 173-181.

